

دیوان عدالت اداری

کلاس پرونده: ه ع/442/93

موضوع: ابطال بخشنامه های شماره 38410/230/د مورخه 6/12/91 و شماره 23648/200/ص مورخه 24/12/92 سازمان امور مالیاتی

مهلت اعتراض: از 30 آبان 1394 به مدت 20 روز

تاریخ تنظیم گزارش: 09 آذر 1394

بسمه تعالی

دادنامه 327 تاریخ صدور 30/8/94 91/اق/97

* مرجع رسیدگی: هیات تخصصی اقتصادی، مالی و اصناف

* شکای: عباس نجفی کوپانی

* طرف شکایت: سازمان امور مالیاتی

« گردشکار »

* خلاصه دادخواست شکای با ذکر دلیل مغایرت مصوبه با قانون یا شرع:

شکای طی دادخواست تقدیمی به دیوان عدالت اداری خواستار ابطال بخشنامه های فوق سازمان امور مالیاتی شده و در بخش اول چنین توضیح داده است " مقررات مورد شکایت با مواد 211، 35، 186، 190، 212، 242، 159، 164، 166، 176، 189 و 100 قانون مالیات های مستقیم در تعارض آشکار است زیرا بخشنامه های مورد شکایت تهاثر بدهی مالیات بابت یک منبع را با طلب مودی از سازمان بابت منابع دیگر ممنوع کرده است و در توجیه شکایت خویش مستنداتی به شرح آتی ذکر کرده است.

1- رأی شماره 62 مورخه 18/2/1379 هیات عمومی دیوان عدالت اداری:

به صراحت قسمت اخیر ماده 53 قانون مالیات های مستقیم مصوب 1366 رهن تصرف در اموال غیرمنقول تابع حکم قانونگذار در باب شمول مالیات نسبت به درآمد اجاره املاک شناخته شده است، بنابراین عدم احتساب مالیات مربوط به رهن تصرف در اجرای تهاثر موضوع ماده 55 قانون مزبور موافق حکم صریح قانونگذار به شرح ماده 53 قانون نیست. به این جهت مصوبه شماره 4/30-3350 مورخ 7/4/1374 هیات عمومی شورای عالی مالیاتی به لحاظ مغایرت با ماده اخیر الذکر مستندآبه قسمت دوم ماده 25 قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

2- بخشنامه های شماره 987/297/203 مورخه 20/1/85 و شماره 10881/200/ص مورخه 8/5/90 و شماره 5682/5/30 مورخه 16/10/1380 سازمان امور مالیاتی که انجام تهاثر بدهی و طلب سازمان با یکدیگر را مجاز دانسته است.

3- مصوبه شماره 216715/45650 هـ مورخ 4/11/1391 که مقرر کرده مطالبات آزادگان توسط شرکت های دولتی پرداخت و سازمان امور مالیاتی منابع پرداختی با بدهی های مالیاتی شرکت ها تهاثر نماید.

4- موافقت های منعقد میان دولت جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها با موضوع اجتناب از اخذ مالیات مضاف

5- مغایرت بخشنامه با ماده 211 قانون مالیاتهای مستقیم که در آن یکی از طرق وصول مالیات توقیف مطالبات مودی

است که یکی از آنها می تواند طلب وی از خود سازمان باشد .

6- مغایرت با ماده 242 قانون مالیاتهای مستقیم که مقرر داشته استرداد وجوه پرداختی از وصولی جاری سازمان از هر منبعی است باید انجام شود که یکی از مصادیق آن طلب مودی از سازمان است .

7- سازمان امور مالیاتی ، دارای یک شخصیت حقوقی است و هرگونه دریافتی آن پرداخت به شخص واحد تلقی میگردد و تفاوت منشاء مطالبات سازمان در امکان تهاجر موثر نیست .

بخش دوم شکایت شکای : بند 3 بخشنامه رئیس سازمان امور مالیاتی است که مقرر داشته جهت احتساب خسارت دیر کرد به نفع مودی تاریخ اضافه پرداختی مودی باید احراز گردد که این موضوع با متن ماده 242 قانون مالیاتهای مستقیم مغایر است زیرا زمان احتساب زیان دیرکرد استرداد وجوه تاریخ دریافت یا همان موعد واریز به حساب سازمان است و قید احراز زمان در بخشنامه مورد شکایت مفهومی ندارد .

بخش سوم شکایت شکای : بند 4 بخشنامه مورد شکایت که اصلاح قبوض اشتباه صادره وصول مالیات را ممنوع دانسته و بر وصول وجه قبض اشتباه و سپس عودت اضافه وجه دریافتی تاکید کرده است در مغایرت با ماده 242 قانون مالیات های مستقیم است زیرا ماده مزبور سازمان را مجاز به وصول وجهی که من غیر حق بودن آن محرز است نکرده است و اشتباه محاسباتی قبل از واریز وجه به حساب سازمان خارج از موارد مورد نظر مقنن در ماده 242 قانون فوق است .

* خلاصه مدافعات مشنکی عنه :

سازمان امور مالیاتی در لایحه تقدیمی شماره 93/ اقتصادی / 97 مورخه 2/12/1393 مطالب ذیل را بیان کرده است :

1- منع تهاجر مالیاتی یکی از اصول مسلم حقوق عمومی (مالیاتی) است .

تهاجر طبق بند 5 ماده 264 قانون مدنی یکی از طرق سقوط تعهدات به شمار می رود و در بیان قاعده آن ماده 292 قانون مذکور مقرر می دارد : " وقتی دو نفر در مقابل یکدیگر مدیون باشند بین دیون آنها به یکدیگر ... تهاجر حاصل می شود. به موجب ماده 295 قانون مذکور تهاجر قهری است و بدون اینکه طرفین در این موضوع تراضی نمایند حاصل می شود . به همین دلیل به تهاجر به معنای اخص ، تهاجر قهری گفته می شود . (شهبیدی ، 1380 ، ص 130) اما در حقوق عمومی و از جمله حقوق مالی و مالیاتی تهاجر پذیرفته نشده و در اصل ممنوع است . مودی که مکلف به پرداخت نقدی بدهی مالیاتی خود می باشد نمی تواند از تهاجر استفاده کند و اگر طلبی از دولت داشته باشد با توسل به تهاجر و با به پا کردن بدهی مالیاتی با طلب خود از دولت ، از پرداخت مالیات خودداری کند .

ممنوعیت تهاجر در حقوق عمومی دلالی دارد . دلیل اول واجد جنبه مالی است و آن اینکه خزانه دولت به پول مالیات احتیاج دارد و تهاجر پول نقد در اختیار خزانه نمی گذارد . دلیل دوم ماهیت بودجه ای دارد و آن مغایرت تهاجر با اصل کاملیت یا جامعیت بودجه است . به موجب این اصل که در اصل 53 قانون اساسی آمده است کلیه دریافت های دولت در حساب های خزانه داری کل متمرکز می شود و همه پرداخت ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می شود . دلیل سوم مغایرت تهاجر با یکی از اصول اساسی و مهم حقوق عمومی یعنی اصل منع اعمال قدرت علیه دولت است . زیرا وقتی که طلبکار دولت ، بدهی مالیاتی خود را نپردازد و اعلام تهاجر کند در واقع نوعی اعمال قدرت علیه دولت است که انحصاراً قدرت عمومی را در اختیار دارد و حاکمیت برتر محسوب می شود و قابل قبول نیست که اشخاص علیه این قدرت برتر ، اعمال قدرت و گردنکشی کنند .

2- اصل عدم تبعیض مالیاتی : عدم جواز تهاجر در قانون مالیاتهای مستقیم و قوانین بودجه سالانه کشور و قانون محاسبات عمومی مورخه 1/6/1366 در نتیجه جواز تهاجر بدهی مالیاتی نسبت به برخی از مودیان مالیاتی تبعیض ناروا و غیر قانونی در حق سایر مودیان است .

3- اصل حاکمیت قانون : جهت تهاجر بدهی مالیاتی مودی بابت ناشی از یک منبع وی بابت منبع دیگر با توجه به تفاوت منشاء دیون مودی مجوز قانونی وجود ندارد .

4- نقض اصل اقتدار مالیاتی دولت : مغایرت تهاجر با یکی از اصول اساسی و مهم حقوق عمومی یعنی اصل منع اعمال قدرت علیه دولت است . زیرا وقتی که طلبکار دولت ، بدهی مالیاتی خود را نپردازد و اعلام تهاجر کند در واقع نوعی اعمال قدرت علیه دولت است که انحصاراً قدرت عمومی را در اختیار دارد و حاکمیت برتر محسوب می شود و قابل قبول نیست که اشخاص علیه این قدرت برتر ، اعمال قدرت و گردنکشی کنند .

5- اصل عدم صلاحیت : در حقوق عمومی ، اداره مجاز به انجام هیچ فعل یا ترک فعلی نیست مگر در حدود نصوص قانونی

6- نقض اصول بودجه و مالیه عمومی : این امر ماهیت بودجه ای دارد و آن مغایرت تهاجر با اصل کاملیت یا جامعیت بودجه است . به موجب این اصل که در اصل 53 قانون اساسی آمده است کلیه دریافت های دولت در حساب های خزانه داری کل متمرکز می شود و همه پرداخت ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می شود .

7- مخالف ادعای شاکای با ماده 104 قانون مالیات های مستقیم : همان گونه که مقنن به صراحت مقرر داشته است در مورد مصادیق ماده 104 ، مودی صرفاً واسطه اخذ مالیات از دیگر مودیان است و نمی توان پرداختی وی را به عنوان پرداختی مودی احتساب کرد زیرا بدهی شخص دیگری است .

8- ماده 210 قانون مالیات های مستقیم در مقام بیان امکان پرداخت اقساطی مالیات است و به هیچ عنوان متضمن امکان تهاجر مورد نظر شاکای نیست .

9- ماده 242 همان قانون در مقام بیان نحوه روش استرداد اضافه پرداختی مودی است و دلالتی بر جواز تهاجر ندارد .

10- ماده 212 قانون مزبور در مقام بیان مستثنیات دین است و دلالتی بر جواز تهاجر ندارد .

11- شکایت شاکای با اصول 52 و 53 قانون اساسی مغایرت دارد .

12- بند ب دادخواست شاکای در راستای ماده 87 قانون مالیات های مستقیم وضع شده و حفظ منافع عمومی است .

13- به علت صدور مکاتبه قبوض مالیاتی امکان اصلاح آن وجود ندارد و بند مورد شکایت به سبب رفع مشکل صادر شده است .

*نظریه تهیه کننده گزارش :

1- مفهوم مخالف بخشنامه های معترض عنه نشانگر انجام تهاجر در سال های قبل از آن است .

2- رأی شماره 62 مورخه 18/2/1379 هیات عمومی دیوان عدالت اداری تهاجر در قانون مالیات های مستقیم را پذیرفته است .

3- مصوبه هیات وزیران در خصوص نحوه پرداخت مطالبات آزادگان نیز امکان تهاجر در حوزه مالیات را پیش بینی کرده است .

4- ماده 211 قانون مالیات های مستقیم مطالبات مودی از هر شخص حقیقی یا حقوقی از جمله خود سازمان امور مالیاتی منبع وصول مالیات تشخیص داده است و تهاجر با طلب وی از سازمان ممکن بوده و فاقد منبع قانونی است .

5- مهم ترین دلیل مخالفت مشتکی عنه با تهاجر دین مودی با مطالبات سازمان در مواردی که منابع مالیاتی متفاوت است متفاوت بودن مودی مالیاتی است به عبارت اخری پرداخت مودی بابت ماده 104 قانون مورد بحث به نمایندگی از مودی دیگری است و نمی توان دریافت مالیات تکلیفی دریافتی را به نام شخص واریز کننده ثبت کرد هر چند این موضوع دیدگاهی درست و منطبق با اصول حقوقی و قانونی است اما امکان تفکیک مبالغ پرداختی در فرض تهاجر نیز میسر است و سازمان می تواند با صدور بخشنامه ای تهاجر صورت گرفته در این فقره را به عنوان پرداختی مودی اصلی و نه نماینده وی لحاظ نماید و در این صورت اشکال صحیح موجود به این نوع تهاجر مرتفع میگردد. بنا بر مراتب فوق ، بخشنامه های مورد شکایت به سبب مغایرت با مواد متعددی از قانون مالیات های مستقیم و مقررات متفرقه و در نتیجه ایجاد محدودیت های فرا قانونی در اعمال حقوق مالیاتی شهروندان قابل ابطال به نظر می رسد .

6- قسمتی از بخشنامه که در مورد احراز زمان پرداخت مالیات اضافه پرداختی مودی توسط میزان است خارج از حدود اختیارات مقام اداری بوده و محکوم به بطلان است .

7- آن قسمتی از بخشنامه که متضمن عدم امکان اصلاح قبوض تشخیص صادر و ضرورت پرداخت آن توسط مودی و سپس استرداد مبلغ مازاد دریافتی به سبب توسیع مصادیق ماده 242 قانون فوق خارج از حدود اختیارات بوده محکوم به بطلان به نظر می رسد .

تهیه کننده گزارش :

ذبیح اله واحدی

موضوع در جلسه مورخ 9/8/94 هیات تخصصی اقتصادی ، مالی و اصناف دیوان عدالت اداری مطرح ، نظریه هیات به شرح آتی اعلام می گردد .

*** رأی هیات تخصصی***

در خصوص شکایت آقای عباس نجفی کویانی فرزند محمد علی به طرفیت وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان امور مالیاتی کشور به خواسته ابطال بخشنامه 38410/230/د مورخ 6/12/91 و شماره 23648/200 مورخ 24/12/92 صادره از مرجع مذکور ، بخشنامه های مورد شکایت با در نظر گرفتن مواد 212 ، 264 ، 292 ، 294 ، 295 ، 296 و 301 قانون مدنی و اصول 3 ، 19 ، 20 ، 44 ، 52 و 53 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده 8 قانون مدیریت خدمات کشوری و مواد 9 ، 30 ، 39 و 48 قانون محاسبات عمومی کشور در راستای مواد 52 ، 55 ، 87 ، 104 ، 159 ، 210 ، 211 ، 212 ، 213 ، 214 ، 215 ، 216 ، 218 ، 242 ، 243 و 273 قانون مالیات های مستقیم و در تبیین حکم مقنن و شیوه های اجرایی آن بوده و ماده 190 قانون مالیات های مستقیم مطابق ماده 33 قانون مالیات بر ارزش افزوده در مالیات بر ارزش افزوده قابل اعمال نمی باشد ، بنابراین خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات نبوده به استناد بند (ب) ماده 84 قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب 1392 رأی به رد شکایت صادر و اعلام می کند ، رأی صادره ظرف مدت بیست روز از تاریخ صدور از سوی ریاست ارزشمند دیوان و یا ده نفر از قضات گرانقدر دیوان قابل اعتراض است ./ز

زین العابدین تقوی

رئیس هیات تخصصی اقتصادی مالی و اصناف

دیوان عدالت اداری

این مطلب از سایت دیوان عدالت اداری چاپ شده است.

نشانی مطلب : <http://www.divan-edalat.ir/show.php?page=nhtshow&id=621>

۲۰۹۲۳۴۶
۹۲/۱۲/۲۴



روشن کن
بخشنامه

۴	۲۴۲	۹۲	۱۳۶
---	-----	----	-----

مخاطبین: لایحه‌نظر	امور مالیاتی شهر و استان تهران ادارات کل امور مالیاتی		
موضوع	عدم امکان تهاجر اضافه پرداختی مالیات عملکرد با بدهی مالیاتهای تکلیفی و حقوق و سایر منابع همچنین عدم امکان اصلاح قبوض مالیاتی که به هر دلیلی در صدور آن اشتباهاتی رخ داده است		
<p>نظر به سولات و ابهامات مطرح شده درخصوص امکان تهاجر اضافه پرداختی مالیات عملکرد با بدهی مالیات های تکلیفی و حقوق و سایر منابع همچنین اصلاح قبوض مالیاتی صادره به علت اشتباه در درج مشخصات هویتی و ...، بدینوسیله مقرر می دارد:</p> <p>۱- با عنایت به اینکه علی الحساب مالیات مکسور و متعلق به دریافت کننده وجوه (یمانکار) بوده که به موجب تبصره (۳) ماده (۱۰۵) و ماده (۱۵۹) قانون مالیاتهای مستقیم در موقع احتساب مالیات بر درآمد اشخاصی پادشاه از مالیات متعلق به آنان کسر خواهد گردید، بنابراین تهاجر اضافه پرداختی مالیات عملکرد مودین مالیاتی (مکلن) به کسر علی الحساب مالیات دیگران) با مالیاتهای تکلیفی و حقوق کسر و ایصال نشده یا بطور کلی مالیاتهای تکلیفی و حقوق پرداخت نشده امکان پذیر نمی باشد. لذا در صورتی که مودی (کارفرما) بابت مالیات عملکرد اضافه پرداختی داشته و بابت سایر منابع دارای بدهی مالیاتی بوده، در صورت درخواست کتبی مودی بستی بر تسویه بدهی از محل اضافه پرداختی، پس از طی مراحل استرداد یک قتره چک به مبلغ اضافه پرداختی صادر و همراه قبض مالیاتی به نام دریافت کنندگان وجوه (یمانکاران) و یا بابت تسویه بدهی مالیات حقوق یا سایر منابع در وجه حساب مالیاتی مربوط واریز گردد.</p> <p>۲- همانگونه که در بند (۴) بخشنامه شماره ۹۵۹۰۹۵۹۰۹۵۹-۲۱ مورخ ۸۲/۱۱/۲۶ و بند (۳) بخشنامه شماره ۲۰۴۲۹۷/۹۷۷ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۰ اعلام شده، ادارات امور مالیاتی در صورت درخواست مودی مجاز به تهاجر اضافه مالیات پرداختی عملکرد با بدهی مالیاتی قطعی شده عملکرد سالهای دیگر منبع مذکور، با رعایت سایر مقررات می باشد.</p> <p>۳- درخصوص مودیانی که به شرح بند (۲) درخواست تهاجر اضافه پرداختی یک عملکرد را با بدهی عملکردهای دیگر همان منبع می نمایند، بنای زمان پرداخت جهت محاسبه جرایم مالیاتی برای عملکردی که مودی دارای بدهی می باشد، تاریخ احرار اضافه پرداختی به موجب مفاد موضوع مواد ۲۴۲ و ۲۴۴ قانون مالیاتهای مستقیم خواهد بود.</p> <p>۴- با عنایت به اینکه پس از صدور و پرداخت قبوض مالیاتی امکان اصلاح در سامانه مدیریت پرداخت مالیات (سیستم قبض بانک جدید) وجود ندارد، لذا در صورت احرار اشتباه در صدور قبض پرداختی، اداره امور مالیاتی مربوط مکلف است با درخواست مقتضی نسبت به انجام مراحل استرداد و تکمیل فرم پیوست و صدور قبض مالیاتی جدید اقدام و مدارک لازم را به اداره حسابداری برای صدور یک قتره چک و واریز به حساب مالیاتی مربوط ارسال نموده و سپس قبض اولیه را در سیستم و در صورت وجود، قبض کاذبی آن را ابطال نماید.</p> <p>۵- بنای محاسبه جرایم مودیانی که به شرح بند (۴) اقدام نموده اند، تاریخ پرداخت قبض ابطال شده خواهد بود. ۹۷۱۰۳۳</p>			
تاریخ اجرا: از تاریخ صدور	محت اجرا: تبصروه	مرجع صادر: دانشمندی نظامی مالیاتی	نوعه ی ابلاغ: فزنی
نقفا هر گونه ابهام و توضیح را از طریق شماره تلفن ۳۳۹۱۲۴۳۶ دفتر حسابداری و وصول مالیات مطرح و پیگیری نمایید.			

علی عسکری

دیوان عدالت اداری

کلاس پرونده: ه ع / 93/759

موضوع: 1- ابطال نامه شماره 6081/250/د مورخ 25/7/91 رئیس اداره کل امور مالیاتی تهران به مدیر امور مالیاتی غرب
2- ابطال نامه شماره 18410/230/د مورخ 6/12/91 معاون سازمان امور مالیاتی خطاب به رئیس سازمان تهران

مهلت اعتراض: از 30 آبان 1394 به مدت 20 روز

تاریخ تنظیم گزارش: 09 آبان 1394

بسمه تعالی

دادنامه 325/93/اق/123/

* مرجع رسیدگی: هیات تخصصی اقتصادی، مالی و اصناف

* شاکی: شرکت حمل و نقل سایبا لجستیک با وکالت آقای فیروز منصوری 2 - آقای محمد فرجاد

* طرف شکایت: اداره کل امور مالیاتی غرب تهران

«گردشکار»

* خلاصه دادخواست شاکی با ذکر دلیل مغایرت مصوبه با قانون یا شرع:

نامه های مذکور مغایر ماده 104، تبصره (1) ماده 190 و بندهای 1، 2، 3 ماده 255 قانون مالیاتهای مستقیم می باشند زیرا:

1- تهیه بخشنامه ها و آئین نامه و اظهار نظر در مورد مسائل مالیاتی در صلاحیت شورای عالی مالیاتی است (ماده 255 قانون مالیات مستقیم) و اشخاص فوق اختیار چنین اظهار نظر و وضع مقرر را نداشته اند .

2- براساس مفاد نامه های مذکور تهاجر بدهی مالیات تکلیفی (موضوع ماده 104) با اضافه پرداختی مالیات عملکردی مودی مقدور نبوده و جرائم مالیاتی تکلیفی مشمول 80% معافیت جرائم موضوع تبصره (1) ماده 190 قانون مالیاتهای مستقیم نخواهد بود .

این تفکیک صحیح نبوده و نامه های فوق از این جهت که امکان تهاجر را منتفی نموده مغایر مواد قانونی مورد اشاره است .

* خلاصه مدافعات مشتکی عنه:

الف (نامه های یاد شده متضمن قاعده حقوقی خاصی نمی باشند و نامه های اداری می باشند لذا قابل ابطال نیستند .

ب (- ماهیت دو فقره نامه در پاسخ به امکان تهاجر یا عدم تهاجر مالیاتهای تکلیفی موضوع ماده 104 قانون مالیاتهای مستقیم می باشند . برابر تبصره یک ماده 190 و ماده 191 قانون مالیاتهای مستقیم امکان بخشودگی جرائم وجود دارد نه امکان تهاجر آنها بنابراین بخشودگی جرائم با تهاجر متفاوت است در موارد مذکور امکان تهاجر بدهی وجود ندارد . نظریه تهیه کننده گزارش :

1- نامه های مورد شکایت چون وضع مقرر عام الشمول نموده لذا از موارد قابل طرح در هیات عمومی است و دفاع

سازمان مالیاتی در اینخصوص صحیح نیست .

2- تهاجر در امور مالیاتی مستلزم نص قانونی است با بررسی مفاد شکایات شکات نامه های مورد شکایت مغایرتی با مواد قانونی استنادی ندارد زیرا :

اولاً : در ماده 255 قانون مالیاتهای مستقیم وظایف و اختیارات شورایی مالیاتی را بیان نموده اما این امر نافی اختیار مدیران اداری در پاسخگویی به نامه ها در چارجوب اختیار آنها نیست .

ثانیاً : تهاجر دو جنس مالیات متفاوت نیازمند نص قانونی است و ماده 104 و تبصره ماده 190 قانون مالیات های مستقیم دلالتی بر تجویز این تهاجر ندارد .

بنابراین مفاد دو نامه مذکور از این جهت که تهاجر بدهی مالیات تکلیفی موضوع ماده 104 قانون مالیاتهای مستقیم با اضافه پرداختی عملکرد مودی را تجویز نکرده است خلاف قانون و خارج از حدود اختیار نمی باشد .

تهیه کننده گزارش :

سعید کریمی

موضوع در جلسه مورخ 9/8/94 هیأت تخصصی اقتصادی ، مالی و اصناف دیوان عدالت اداری مطرح ، نظریه هیأت به شرح آتی اعلام می گردد .

* رأی هیات تخصصی *

در خصوص شکایت آقای محمد فرجاد فرزند حسین به طرفیت سازمان امور مالیاتی کشور (اداره کل امور مالیاتی غرب تهران) به خواسته ابطال نامه های شماره 6081/250/د مورخ 25/7/91 و شماره 18410/230/د صادره از مرجع مذکور نظر به این دستورالعمل های مورد شکایت با در نظر گرفتن اصول 3، 19 ، 20 ، 44 ، 52 و 53 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد 9 تا 30 و 39 قانون محاسبات عمومی کشور و مواد 53 ، 104 ، 107 ، 157 ، 182 ، 191 ، 242 ، 243 ، 255 و 258 قانون مالیات های مستقیم مصوب 27/11/1380 و اصلاحات بعدی اصدار یافته و در جهت تبیین حکم مقنن و شیوه های اجرایی آن بوده و ماده 190 قانون مالیات های مستقیم بر اساس ماده 33 قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب 15/2/1387 در مالیاتهای مربوط به ارزش افزوده قابل اعمال نمی باشد بنابراین خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات نبوده به استناد بند (ب) ماده 84 قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب 1392 رأی به رد شکایت صادر و اعلام می کند ، رأی صادره ظرف مدت بیست روز از تاریخ صدور از سوی ریاست ارزشمند دیوان و یا ده نفر از قضات گرانقدر دیوان قابل اعتراض است ./ز

زین العابدین تقوی

رئیس هیات تخصصی اقتصادی مالی و اصناف

دیوان عدالت اداری

این مطلب از سایت دیوان عدالت اداری چاپ شده است.
نشانی مطلب : <http://www.divan-edalat.ir/show.php?page=nhtshow&id=623>

شماره ۴۹۵۴-۲
تاریخ ۸۴/۳/۷
پست



دستور العمل

م	۱۶۹ مکرر	۱۲	۵۰۳
---	----------	----	-----

دک:

مختارین / دبستان	کلیه اشخاص حقوقی و حقیقی موضوع بند ۳ الف
موضوع	اصلاحیه دستور العمل اجرایی شماره ۲۰۰/۲۴۴۶۸/ت من مورخ ۹۰/۱۰/۲۷ مورخ ماده ۱۶۹ مکرر اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۸۰/۱۱/۲۷
<p>با توجه به سوالات و ابهامات مطروحه در خصوص مفاد دستور العمل اجرایی شماره ۲۰۰/۲۴۴۶۸/ت من مورخ ۹۰/۱۰/۲۷ موضوع ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۸۰/۱۱/۲۷، بدینوسیله به منظور شفاف سازی، تکریم و رعایت حقوق مؤدیان، برخی موارد آن به شرح زیر اصلاح و به دستور العمل یادشده لحاق میگردد:</p> <p>۱) فرم "پیوست شماره ۲" مندرج در متن بند (۲-۳) به شرح پیوست این دستور العمل تغییر می نماید.</p> <p>۲) متن زیر بعنوان تبصره ۵ در ذیل بند (۳-۴) اضافه می گردد:</p> <p>تبصره ۵ - درج شماره اقتصادی اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی که در ایران اقامت و فعالیت اقتصادی ندارند، بر روی صورت حساب صادره الزامی نمی باشد.</p> <p>در اجرای بند ۱-۵، ارسال اطلاعات و واردات می باید با درج شماره اختصاصی اشخاص خارجی انجام پذیرد.</p> <p>۳) بند (۲-۴) به شرح ذیل اصلاح و جایگزین متن قبلی می گردد:</p> <p>« کلیه دستگاههای اجرایی مکلفند فهرست معاملات و صورت برداشت قراردادهای خود را طبق فرم نمونه (پیوست شماره ۳ الف ۵) تا یک ماه پس از پایان هر فصل و همچنین حسب مورد فرم نمونه (پیوست شماره ۲) را تا یک ماه از تاریخ انجام معامله بصورت الکترونیکی از طریق پورتال سازمان ارسال و یا در قالب فایل تولید شده از نرم افزار مربوطه به اداره امور مالیاتی ذریبط تحویل نمایند.</p> <p>مسئول حسن اجرای این بند بالاترین مقام دستگاه و نیز با توجه به ماده ۱۴ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری ذبحساب مربوطه خواهد بود. »</p> <p>۴) بند (۳-۴) به شرح ذیل اصلاح و جایگزین متن قبلی می گردد:</p> <p>« بانکها و سایر مؤسسات اعتباری مکلفند ضمن اعلام مبلغ تسهیلات یا تعهدات در زمان درخواست صدور گواهی موضوع</p>	

۱۳۵۱/۱۳۵۲
۱۳۵۱/۱۳۵۲

شماره

ساز " تولید ملی - خدمات ترکتور و سرمایه ایرانی " -
معاونت مالیاتهای مستقیم

پسمه تقاضی



۴۵-۲۱۹
جناب آقای جنتی

رئیس محترم امور مالیاتی شهرداری

بسم الله

بازگشت به روز شنبه مورخ ۱۳۵۱/۰۵/۰۹ و بند ۳ دستور جلسه مذکور در خصوص بحث
در خصوص نحوه نهاده مالیاتهای تکلیفی و عملکرد بر اساس دستور العمل های صادره و بند ۳ مصوبات جلسه
مجلس سنی بر انجام نهاده اضافه پرداختی توسط واحدهای مالیاتی با تأیید رئیس امور مالیاتی در نظر
پیشگیری از طولانی و فرسایشی شدن سیر مراحل استرداد و تسریع هر چه تمام امور مالیاتی مودیان " در قالب به شرح
ذیل به آگاهی می رسد:

۱- با عنایت به اینکه علی الحساب مالیات مکسوره متعلق به دریافت کننده و جوره بوده که به موجب تبصره ۳
ماده ۱۰۵ و ماده ۱۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم در موقع احتساب مالیات بر درآمد اشخاص یاد شده از مالیات
متعلق به آنان کسر خواهد گردید بنابراین نهاده اضافه مالیات پرداختی عملکرد مودیان مالیاتی (تکالیفی) به
کسر علی الحساب مالیات دیگران یا مالیات های تکلیفی کسر و ابطال نموده یا بطور کلی مالیات های
تکلیفی پرداخت نشده امکان پذیر نمی باشد. لذا در صورتی که مودی از باب مالیاتهای تکلیفی دارای بدهی
باشد و چنانچه اضافه پرداختی مودی بابت مالیات عملکرد اشخاص دیگر از طی فرآیند
در صورت درخواست مودی بکن تقوه چنانکه به مبلغ اضافه پرداختی صادر و همراه قبضه مالیاتی
در دفتر گران وجوه (پیمانکار) و در وجه حساب مالیاتی واریز گردد.

۲- ادارات امور مالیاتی در صورت درخواست مودی تنها مجاز به نهاده اضافه مالیات پرداختی عملکرد مودیان
با بدهی سالیانه قطعی شده عملکرد سالهای دیگر در همان منبع یا رعایت سایر مقررات بوده و نهاده اضافه
پرداختی بکن منبع مالیاتی یا سایر منابع مغایرت قانونی دارد.

حسن وکیل



کتابخانه تخصصی حقوق ایران
مدیر کل محترم امور مالیاتی، غرب تهران

باسلام

مخاطبه به نامه شماره ۲۵۷۲۳۳۶/تس مورخ ۹۱/۱/۱۱ اعلام میدارد:

۱- بد صراحت بند ۳ به اضافه شماره ۲۰۳۳۹۷/۸۸۷ مورخ ۱۳۸۵/۱/۲۱، اظهار مالیات احواله پرداختی مسردا برای مواردی تجویز شده است که موردی بابت سنوات ایل یا بند درآمدهای مشمول مالیات خود، اعلانی مالیاتی داشته و کتاب درخواست بهای آن نماید.

۲- نظر به آنکه ماده ۱۰۱ و ۱۰۷ و- با شرایط کتبه حقوق یا حقوقی تعیینی یافته موضوع ماده ۸۶ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ۶۶ و اصلاحیه های بعدی آن است.

۳- متضمن طری قانون موضوعه مطلقاً راز بهای را به منظور جایگزینی بخشی مالیاتی کسر کننده مالیاتهای تکلیفی و حقوقی با مالیات کسر کننده مالیات، تجویز نموده است.

۴- نظر به اینکه مالیات مستقره در سال مالیاتی کسر کننده، مالیاتهای تکلیفی و حقوقی و حداقلی پس از آن است با ماده ۱۰۱ سال مالیاتی به موید ابلاغ می شود و کسر کننده مالیاتهای تکلیفی و حقوقی در این سال با این روش را از مبرورین پس از مالیاتی خود مطلع نیست تا مالیاتهای تکلیفی و حقوقی را که از دیگران کسر می نماید به تصور بهای خود خود نگهدارد، لذا پذیرش درخواست بهای مالیاتهای تکلیفی و حقوقی کسر شده و به موقع اوصول نشده، با بدین مالیاتی شخص کسر کننده، به مفهوم احطام پانجاه به مورد قانون تجویز در جهت کسر فایده مالیاتی بیت ابدال محسوب می گردد.